

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۸
صفحات: ۱۸۶-۱۵۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۲۱

شناسایی کنشگران، عوامل، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مؤثر بر آینده جریان بیداری اسلامی در تونس

مهدی حاجی سیاری*

چکیده

مطالعات آینده‌پژوهی در تونس نشان می‌دهد یکی از بهترین روش‌های درک مسایل آینده و ترسیم تصویری شفاف از آینده، شناسایی و تحلیل کنشگران، عوامل، پیشران‌ها و... است. این گونه بررسی کمک می‌کند تا سیر منطقی تغییر و تحولات در حوزه‌های مختلف را بهتر درک کنیم و متناسب با آن‌ها گام برداریم. در بررسی تحولات بیداری اسلامی در این کشور، دیدگاه‌ها و نظریات رقیب بیداری اسلامی نظیر بهار عربی، لیبرال دموکراسی، سلفی‌گرایی و بیداری انسانی مورد توجه قرار گرفت که بیشتر نقش انحراف دهندگی به تحولات اصیل مردم را داشتند. در این پژوهش ضمن مصاحبه با ۲۵ تن از خبرگان و کارشناسان (بیداری اسلامی و آینده‌پژوهی) و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، با استفاده از برخی گام‌های روش سناریونویسی شبکه جهانی کسب و کار، بیش از ۲۴ کنشگر تحت نفوذ و خارج از نفوذ، ۱۹ عامل کلیدی (اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی-امنیتی، آموزشی-رسانه‌ای و ژئوپلیتیکی)، ۱۷ پیشران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ۲ عدم قطعیت گرایش مردم به اسلام و حمایت غرب و متحدان از گروه‌های سلفی، شناسایی و ۳ سناریوی نوزایی اسلامی (مطلوب)، شکست خیزش (نامطلوب) و پیشروی دشوار تعیین شدند.

کلیدواژه‌ها

کنشگران؛ عوامل کلیدی؛ پیشران؛ عدم قطعیت؛ جریان بیداری اسلامی؛ تونس.

۱. بیان مسأله

بیداری اسلامی^۱ پدیده‌ای است که در بستری تاریخی نه چندان دور، در کشورهای اسلامی، تحقق و جریان یافته و جریانی دو سویه در واکنش به استعمار خارجی و استبداد داخلی است. با افزایش ارتباط بین جهان اسلام و غرب، چرایی عقب ماندگی مسلمانان و پیشرفت، رفاه عمومی، نظم و شکوفایی جوامع غربی در برابر عقب ماندگی، فقر و فساد جوامع و حکام مسلمان به سؤالی جدی در اذهان نخبگان این جوامع تبدیل شد و کشف ریشه‌ها و جستجوی راهی برای رهایی از این وضعیت را از دغدغه‌های جدی متفکران اسلامی ساخت. در این مسیر جوامع اسلامی شمال آفریقا و اندیشه‌ورزان آن به دلیل مجاورت جغرافیایی با ممالک غربی از متقدمین تولید و ترویج افکار استقلال طلبانه و عزت‌جویانه اسلامی بودند. اندیشه و آرای متفکرانی چون رشید رضا، سید حسن البنا، سید جمال الدین اسدآبادی و کمی بعدتر امام خمینی(ره)، سر فصل این جریان بودند که عرصه نظری و عملی بیداری اسلامی را در هم می‌تنیدند که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ نقطه عطفی در فراز و نشیب این جریان بود.

کشور تونس از گذشته از اهمیت خاصی در جریان بیداری اسلامی برخوردار و در سالیان اخیر نیز شاهدیم که آغازگر بیداری اسلامی در منطقه بوده است. سرکوب ناراضیان سیاسی، فقدان آزادی‌بیان و مطبوعات، شکنجه مخالفان، کنترل گسترده دولت بر رسانه‌های ارتباطی مانند اینترنت، تعرض به حقوق فردی و اجتماعی مردم، فساد، تورم و بیکاری و نیز وضعیت اسفبار فرهنگی جامعه سکولار که حاصل عملکرد دیکتاتورهای حاکم در طول سالیان قبل است، زمینه‌های نارضایتی توده‌های مردم به ویژه مبارزان مسلمان را به وجود آورد.

تونس در طول تاریخ معاصر جهان عرب، همواره از کشورهای پیشگام بوده است، بنابراین، این موضوع که تحولات عربی از تونس آغاز شد، اتفاقی نیست. مردم تونس و به ویژه رهبر اسلام‌گرای النهضه تاثیر بسیاری از امام خمینی پذیرفته‌اند، به گونه‌ای که الغنوشی معتقد است: «تاثیرگذاری انقلاب اسلامی، باعث ارائه مفهومی مترقی از اسلام و دینداری به توده مردم شد.» (غنوشی، ۱۳۷۰: ۴۷).

در این جهت استمرار حیات و پویایی این جریان به دلیل جایگاه اجتماعی - سیاسی کشور تونس و نقش الگویی آن در میان جوامع اسلامی، یکی از مسائل جدی و حیاتی جهان اسلام و

به طور ویژه سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران است که ترویج و توسعه ارزش‌های اسلامی و احیای تمدن و امت واحده اسلامی را از آرمان‌های خود می‌داند. از سوی دیگر کشورهای غربی نیز تلاش دارند این حرکت‌های مردمی که عوامل مختلفی به ویژه الهام‌گیری از مبانی و آموزه‌های اسلامی سبب‌ساز آن است را به نفع خود مصادره کنند که به هیچ عنوان شبیه به انقلاب اسلامی ایران نشود و حتی به آن گرایش پیدا نکند.

مبنتی بر راهبردی بودن این خیزش، رهبر معظم انقلاب نیز این تحولات که بسیاری از نشانه‌های اسلام‌خواهی مردم در آن وجود دارد را بیداری اسلامی نام نهاده‌اند و نوعی سیاست هدایتگری و تدبیر آینده‌نگرانه از سوی ایشان پیگیری می‌شود که ماهیت این نهضت که در تقابل با تفکر و عمل آمریکا و متحدانش استحالته نگردد. بر این اساس، در این مقاله ضمن بررسی اجمالی بیداری اسلامی و دیدگاه‌ها و نظریه‌های رقیب، در پی شناسایی کنشگران، عوامل، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مؤثر بر آینده جریان بیداری اسلامی در تونس خواهیم بود. بررسی پیشینه و سوابق پژوهش‌های انجام شده در این موضوع حاکی از آن است که مطالب و مقالات مختلفی البته به صورت توصیفی - تحلیلی در خصوص چرایی تحولات انقلابی در منطقه، دلایل و زمینه‌ها، موانع و مشکلات، نقش بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، تأثیرات جمهوری اسلامی (به‌ویژه تفکرات حضرت امام خمینی(ره) و تأثیر هدایت‌های رهبر معظم انقلاب بر مردم کشورهای مسلمان منطقه) گردآوری شده است که البته با نگاه به آینده تحولات تونس و شناسایی کنشگران، عوامل، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها نیست که به اختصار به برخی اشاره می‌شود.

ایوب پور قیومی (۱۳۹۲) در رساله دکتری با عنوان راهبردهای تحقق خاورمیانه اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی، راهبردهای یازده‌گانه‌ای با توجه به چهار شاخص تحول‌سازی، میزان فراگیری، میزان تأثیر و امکان اجرا احصا کرد که پس از اجرای آزمون فریدمن، راهبردهای اجماع‌سازی ملی، گفتمان‌سازی مقاومتی، امت‌سازی اسلامی، تفوق گفتمان انقلاب اسلامی، تعمیق اسلام، انحراف زدایی از انقلاب‌ها، نفی سبیل و همبستگی اسلامی به عنوان راهبردهای اساسی به دست آمدند. همچنین رضا سعید محمدی (۱۳۹۰) در رساله دکتری با عنوان همگرایی جهان اسلام و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر بیداری اسلامی) تأکید می‌کند که برای همگرایی جهان اسلام باید از الگوی همگرایی مردم محور دینی بهره گرفت. از ویژگی‌های این الگو آن است که نخست، مبنای قرآنی دارد و تنها در جوامع اسلامی

قابل اجرا است. دوم، برخلاف الگوهای رایج دنیا که دولت‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند، در این الگو ابتکار عمل در دست ملت‌ها و رهبران دینی و فکری آن‌ها است و تنفیذ اراده سیاسی لازم برای پیمودن این راه از پایین به بالا انجام می‌گیرد و سوم اینکه برخلاف سایر الگوهای همگرایی که ماهیتی اقتصادی دارند این الگو از ماهیتی فرهنگی و ایدئولوژیکی برخوردار است. محمد تقی حسینی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب‌های خاورمیانه، نظریه بیداری اسلامی که رهبر معظم انقلاب در مورد انقلاب‌های خاورمیانه ارائه کرد، روشی متوازن و مبتنی بر حضور توأمان مردم و ارزش‌های الهی در جامعه است.

دیدگاه امام خمینی (ره) نیز بر همین اساس بوده است. دو آفت مهم در بیداری اسلامی، ۱. تحجر و جزم اندیشی و ۲. خودباختگی است. بر این اساس، بیداری اسلامی در مقابل افراط‌گرایی و نیز تفریط و خودباختگی قرار می‌گیرد. نظریه بیداری اسلامی در پی مصادره انقلاب‌های منطقه نیست. تاکیده‌های رهبر معظم انقلاب در مواقع مختلف فراتر از این را بیان کرده است. وی درباره این که انقلاب‌های منطقه مسیری مشابه انقلاب ایران را طی کنند و یا نظام حکومتی همانند ایران را تشکیل دهند، نظری ندارند. سید مرتضی هزواهی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان انقلاب اسلامی، بیداری و آینده سیاسی در منطقه به این نتیجه اشاره دارد که بیداری اسلامی در نقطه اوج و شکل کمال یافته، اصل صدور انقلاب در گفتمان انقلاب اسلامی است که نفی استبداد، طرد سلطه و تلاش در جهت یافتن هویتی مستقل را در خود جای داده است و به عیان در جریان بیداری اسلامی در کشورهای منطقه تجلی یافته است. آنه وولفا^۱ (۲۰۱۳) در مقاله خود تحت عنوان یک رنسانس اسلامی؛ دین و سیاست در تونس پس از انقلاب، این سوال را مطرح می‌کند که رویکرد جنبش اسلامی در تونس انقلابی نسبت به قدرت و سیاست مبتنی بر چه عواملی می‌باشد؟ و پاسخ می‌دهد برای ناظرانی که تونس را به عنوان میراث مدرنیستی و تبلیغاتی رژیم‌های سابق استبدادی بورقویی و بن علی به شمار می‌آوردند به قدرت رسیدن حزب اسلامی النهضه تونس پس از انتخابات سال ۲۰۱۱ به عنوان یک شگفتی محسوب می‌شود. این مقاله به ارزیابی مجدد نقش اسلام‌گرایان تونس تحت رژیم سابق، و بعد از پیروزی انقلاب می‌پردازد. رقابت سلفی‌ها در تونس به شکل یک جنبش بسیار ناهمگن با سلفی‌های معتدل و محافظه کار از دیگر موضوعاتی است که به آن پرداخته شده است. در مقاله

1. Anne Wolfa

انقلاب تونس، انقلاب کرامت؛ نویسنده آمیرا آلیا^۱ (۲۰۱۲) دلایل اصلی تحولات در تونس را نابرابری در توزیع ثروت و خستگی مردم از نظام استبدادی را نام می‌برد. شلی کالبرستون^۲ (۲۰۱۶)، تحلیلگر سیاسی در موسسه رند، در پژوهش و مشاهدات خود به این جمع‌بندی می‌رسد که موج تظاهرات و اعتراضات که به بهار عربی مشهور شد فقط به تغییر سازنده نسبتاً کوچکی در غرب آسیا و شمال آفریقا منجر شد. او به شش کشور تونس، ترکیه، عراق، اردن، قطر و مصر سفر و تجارب مختلفی ارائه می‌کند. کالبرستون می‌گوید: بعد از صحبت کردن با مردم این کشورها که در مرکز تحولات بهار عربی حضور داشتند به این نتیجه رسیدم که تحولات بهار عربی (بیداری اسلامی) تازه آغاز شده است. دوره اول تحولات در مورد ماهیت وضع موجود بود. دوره دوم، بیش از یک دهه با یک فرایند تدریجی با کار بر روی مؤسسات قضایی و ارزش‌های اجتماعی خواهد بود (Culberston, 2016: 13-15).

به لحاظ هدف، این پژوهش در پی شناسایی کنشگران^۳، عوامل کلیدی^۴، پیشران‌ها^۵ و عدم قطعیت‌های^۶ کلیدی مؤثر بر آینده جریان بیداری اسلامی در تونس از طریق پاسخ‌گویی به دو سوال زیر است:

۱. مهمترین کنشگران و عوامل کلیدی برای تداوم بیداری اسلامی در تونس کدامند؟
۲. مهمترین پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مؤثر بر روند آینده جریان بیداری اسلامی در تونس کدامند؟

این پژوهش از نوع کیفی است و ابتدا با استفاده از روش اسنادی، مدارک و اسناد مرتبط، از جمله کتاب‌های مرجع، پژوهش‌های موجود، وبگاه‌ها و اسناد معتبر اینترنتی مرتبط با این حوزه، مطالعه شد. در ادامه پژوهش، با اجرای مصاحبه عمیق با ۲۵ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه بیداری اسلامی با استفاده از روش «تحلیل مضمون»^۷، مصاحبه‌های انجام شده با استفاده از نرم افزار مکس کیودا، نسخه ۱۲ تحلیل و کنشگران، عوامل، پیشران‌ها، عدم قطعیت‌های کلیدی احصا شد. در ادامه با تشکیل پنل‌های تخصصی با حضور متخصصان آینده پژوهی و بیداری اسلامی، به لحاظ اهمیت و تاثیر، امتیاز لازم به هر یک از موارد شناسایی شده،

1. Aleya-Sghaiera, Amira
2. Shelly Culbertson
3. Actors
4. key factors
5. Driving force
6. Uncertainty
7. Thematic Analysis

داده شد.

۲. ادبیات نظری پژوهش

سال ۲۰۱۱ برای جهان اسلام، توأم با سونامی ای بود که بخش زیادی از کشورهای اسلامی از جمله تونس، را در بر گرفت. سرعت و شدت ظهور و موفقیت برخی از این انقلاب‌ها تا حدی است که هیچ دسته‌ای از تحلیل‌گران سیاسی داخلی و خارجی هنوز نتوانسته‌اند نظرات و دیدگاه‌های قانع‌کننده‌ای درباره آن‌ها ارائه کنند. اما بسیاری از متفکران و نظریه پردازان براساس اصول، مبانی و اهداف خود به ارائه تحلیل پیرامون این وقایع پرداختند. صرفنظر از دیدگاه‌های موجود و تلاش برای تطبیق تحولات تونس با آن، اسامی مختلفی از سوی کنشگران با هدف جهت دهی بر این تحولات بر آن گذاشته شد از جمله فرانسه و بخشی از اروپا که آن را به انقلاب یاسمین نام نهادند تا روح لطیف نرمش را حاکم سازند اما انقلابیون تونس از آن به انقلاب آزادی و کرامت تعبیر کردند. انتخاب نام بیداری اسلامی که بر اساس روح حاکم بر مبارزات و مطالبات مردم تونس بود نیز می‌توانست به شکل‌دهی آینده این نظام کمک کند. به هر حال، عده ای از نظریه پردازان، این تحولات را در راستای جنبش‌های غرب‌گرا و در قالب دیدگاه‌های لیبرال دموکراسی و یا بهار عربی معرفی می‌کنند. برخی دیگر، این تحولات را در راستای جریان‌های اسلام‌گرا، بیداری اسلامی و یا سلفی‌گری قلمداد می‌کنند. اما به راستی کدامیک از این دیدگاه‌ها و نظریات، توان بیان تمام واقعیت این تحولات را دارند؟ واقع‌نمایی هر یک از این دیدگاه‌ها و نظریات نسبت به این تحولات به چه میزان است؟ مهمترین دیدگاه‌ها و نظریات در این زمینه به شرح ذیل ارائه شده است.

۲-۱. دیدگاه‌ها و نظریات رقیب بیداری اسلامی

۲-۱-۱. دیدگاه بهار عربی

مجموعه شورش‌هایی که به عنوان بهار عربی شناخته می‌شوند در هفته‌های آخر سال ۲۰۱۰ در تونس شروع شد و در عرض شش ماه تغییراتی را در منطقه بوجود آورد که بیشتر از تحولات ۶۰ سال گذشته بود؛ هرچند که بسیاری معتقدند بیشتر آن هنوز در راه است (Dadush-dunne, 2011: 131-132). این جریان توانست منجر به سقوط دولت‌ها در تونس، مصر، لیبی و یمن و هم‌چنین بی‌ثباتی در کشورهای چوین بحرین، سوریه، اردن، عربستان سعودی و کویت شود.

این نگاه، بهار عربی (الربیع العربی)^۱ بیشتر از سوی رسانه‌های عربی و غربی، پیرامون جنبش‌های اخیر جهان اسلام مطرح می‌شود (Anderson, 2011: 1-3). برای نمونه، در ویکی‌پدیای انگلیسی، در صفحه‌ای با نام بهار عربی، در فرآیند تعریف و تبیین تحولات اخیر منطقه، در مجموع هفتاد بار از کلمات و واژگانی همچون دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و اصلاحات بهره گرفته است. در حالی که از میان تقریباً بیست‌هزار واژه‌ای که در این صفحه نگاشته شده است، تنها شش بار از کلمه اسلام و دین استفاده شده است که روشن است که در این نگاه، هیچ بازتابی از تأثیر آموزه‌های دینی و شور اسلام‌خواهی در تحقق تحولات اخیر به چشم نمی‌خورد (ویکی‌پدیا انگلیسی، ۲۰۱۱).

موسسات غربی و به‌خصوص آمریکایی همچون «مؤسسه رند»، «مؤسسه هوور»، «مرکز بین‌المللی ویلسون»، «بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی» اصرار بر کاربرد اصطلاح «بهار عربی» در تحلیل‌های خود دارند (واعظی، ۱۳۹۱: ۴۰-۳۵ و شهابی و عباسی، ۱۳۹۴: ۱۲-۷). به عنوان مثال «چارلز پی. ریز» کارشناس، پژوهشگر ارشد، دیپلمات و مدیر مرکز سیاستگذاری‌های خاورمیانه «مؤسسه رند» در اظهارات خود درباره سپری شدن چند سال از آغاز خیزش‌های منطقه به نام «بهار عربی» به بیان چرایی، چیستی و چگونگی و سرنوشت این خیزش‌ها اشاره و پرسش‌های خود را اینگونه مطرح می‌کند: «چند سال از خودسوزی «محمد بوعزیز» در تونس می‌گذرد. در آن سال خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد انقلاب، شورش، سرکوب و اصلاحات بود. در این بین چه چیزی تغییر کرد؟ چه چیزی رخ داد؟ در آینده چه پیش خواهد آمد؟ و این رخدادها چه معنا و مفهومی برای آمریکا و جهان دارند؟» وی ناگزیر اعتراف می‌کند که صبر مردم از ظلم و ستمی که حکومت‌ها بر آن‌ها رواج داشته‌اند به سر آمده‌اند و به اولین پرسشی که مطرح کرده است پاسخ می‌دهد: «می‌توان به سادگی گفت که چه چیزی تغییر کرد، مردم منطقه دیگر خود سرنوشت خود را تغییر می‌دهند. از تونس که پی‌برد با شور و عشق و تظاهرات مسالمت‌آمیز جمعی می‌تواند رژیم‌هایی که ظاهراً غیر قابل تسخیر است را براندازد تا مردم کشورهای دیگر که برای آزادی به خاک و خون کشیده شدند. وی در تحلیل خود از اسلامی بودن این انقلاب‌ها سرباز می‌زند و این خیزش‌ها را «انقلاب‌های توییت‌تری و فیسبوکی» می‌داند و بر نقش رسانه‌های در فرآیند این انقلاب‌ها تأکید می‌کند: «خیزش‌های مصر و تونس

را انقلاب‌های توییتر^۱ و فیسبوک^۲ می‌نامند (Charles P. Ries, 2011:1).

۲-۱-۲. نظریه لیبرال دموکراسی

طرفداران این نظریه بر این اعتقاد هستند که تحولات جهان اسلام، به طور عام، در راستای غرب‌گرایی یا مدرنیسم و به طور خاص، در جهت دموکراسی‌خواهی غربی است؛ یعنی مردم جهان اسلام با توجه به تکامل تاریخی بشر و بسط مظاهر مدرنیته و مدل حکومتی ناشی از مدرنیته، به دنبال تحقق لیبرال دموکراسی در کشور خود هستند.

خاستگاه اصلی این نظریه مدرنیته است؛ زیرا اعتقاد به اصل پیشرفت تاریخی، مفروض بنیادین تفکر مدرن در قلمرو فلسفه تاریخ است. در واقع، مدرنیته در قلمرو تاریخ، نگرشی را پدید آورد که معتقد بود حرکت در بستر زمان، همواره رو به سوی پیشرفت و ترقی دارد. مقصود نظریه‌پردازان مدرنیته از مفهوم ترقی و پیشرفت، استیلای روز افزون بشر بر طبیعت، بسط اومانیسیم و غلبه بیش از پیش عقل مدرن بود. از قرن چهاردهم و پانزدهم تا قرن نوزدهم و بیستم، گسترش مدرنیته، اثبات فرهنگی دنیوی بوده که ترقی و پیشرفت رفاه انسانی را در برابر سنتی که در تحقق این مقاصد ناتوان است، آماده می‌سازد. براساس این تفکر، بحث توسعه و پیشرفت و تقسیم کشورها به توسعه یافته و توسعه نیافته شکل گرفت. نظریه‌پردازان توسعه به دنبال راه‌هایی برای نوسازی کشورهای توسعه نیافته یا به اصطلاح، جهان سوم و عقب مانده بودند. از این رو، در طول زمان، به منظور حل این مسأله مکاتب و نظریاتی پدیدار شدند (ی. سو، ۱۳۷۸:۳۱).

۲-۱-۳. نظریه سلفی‌گرایی

سلفی‌گری در معنای لغوی، به معنای تقلید از گذشتگان، کهنه پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است. اما سلفیه در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود، سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام، صحابه و تابعین دارند. آنان معتقدند: عقاید اسلامی باید به همان‌گونه بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است، یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، بپردازند. در اندیشه سلفیون، اسلوب‌های عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله

1. Twitter
2. Facebook

مفهوم از نص قرآن برای آنان حجیت دارد (فقیهی، ۱۳۵۲: ۲۰).

امروزه در میان وهابیان، به دو گرایش اصلی برخورد می‌کنیم: یک گروه وهابیان سنتی هستند که هنوز تا حد زیادی به افکار محمد بن عبدالوهاب، به عنوان بنیانگذار وهابیت وفادار مانده‌اند. به دلیل حمایت همه جانبه و مطلق عالمان این گروه از سیاست‌های حاکمیت سعودی، می‌توان آنان را وهابیان درباری نیز نامید. دسته دیگر، جریانی است که طی دوره‌های اخیر ظهور نموده است. این جریان که می‌توان آن را وهابیت انقلابی یا جهادی نامید، در قبال حاکمیت عربستان سعودی و عالمان وهابی طرفدار حاکمیت موضع انتقادی دارند. به لحاظ اندیشه نیز این گروه بیشتر از اندیشه‌های اسلام‌گرایانی چون سید قطب و برادرش محمد قطب متأثرند. بر این اساس، برداشت وهابیان سنتی را از مسائلی چون توحید و شرک به چالش می‌کشند. البته خود وهابیان انقلابی نیز به لحاظ اندیشه یکسان نیستند، بلکه طیف وسیعی از اسامه بن لادن و محمد مسعری و سعد الفقیه گرفته، تا کسانی چون سلمان العوده و الشیخ صفر بن عبد الرحمن الحوالی را شامل می‌شوند (حیدری: ۱۳۸۸). سلفی‌گری به دلیل فقدان نظام معرفتی منسجم، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که اختلاف نظر و نزاع آن‌ها با یکدیگر کمتر از نزاع آن‌ها با غیر سلفی‌ها نیست (اکبری نوری، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۰).

۲-۱-۴. دیدگاه بیداری انسانی

این دیدگاه، که عمدتاً از سوی دولت دهم و رییس جمهور احمدی نژاد مطرح می‌شود، ماهیت تحولات را بیداری انسانی و بیداری ملت‌ها می‌داند که ریشه در طراحی‌ها و نقشه‌های ابرقدرت‌ها دارد و مدیریت جهانی توسط آمریکا و هم پیمانانش را عامل اصلی به وجود آورنده تحولات می‌داند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که آمریکا به دنبال تغییر دیکتاتورهای منطقه برای حفظ امنیت خود و اسرائیل است. از این رو، طراحی کردند تا آن تحولات را قبل از آنکه به نقطه غیر قابل بازگشت علیه غرب برسد جلو بیندازند تا بتوانند آن را مدیریت کنند. «صحنه‌ای که امروز داریم ناشی از دخالت آمریکا و اروپا در مسائل مرم منطقه است». به عقیده این گروه، هدف آمریکا این است تا از تداوم وضعیت موجود، یعنی تداوم حکومت‌های دیکتاتور منطقه که برغم ثبات ظاهری، آتش زیر خاکستر را نشان می‌دهند که هر آن می‌تواند آمریکا و اسرائیل را به خطر بیندازد، جلوگیری به عمل آورد. حامیان این برداشت، تحولات منطقه را سناریو و توطئه ساخته ابرقدرت‌ها و به ویژه آمریکا می‌دانند که با هدف تلطیف فضای آمریکا

ستیزی طراحی شده است (عیوضی، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۰۸).

۲-۲. نظریه بیداری اسلامی

خداوند در آیات مختلفی از قرآن کریم نسبت به آینده مومنان، مسلمانان و مستضعفان جهان وعده داده است. در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور^۱ به صراحت می‌فرماید: وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض... همچنین در آیه ۱۳۷ سوره مبارکه اعراف^۲ می‌فرماید: «و اورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الارض و مغاربها». این آیات و بسیاری دیگر گواه این موضوع مهم هستند که آینده از آن مومنان و اسلام دین آینده جهان است و در نهایت بندگان صالح وارث زمین می‌شوند. از این رو، می‌توان به صراحت گفت که بیداری اسلامی یک واقعیت غیر قابل انکار است.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، بیداری اسلامی (الصحوه الاسلامیه) نه یک پدیده نوظهور و دفعی و نه یک خیزش کور عربی است بلکه این جنبش عظیم ریشه در نوع خاصی از گفتمان فکری جهان اسلام دارد. ایشان معتقدند در بیش از ۱۵۰ سال اخیر رهبران بزرگی در اقصی نقاط عالم اسلام به پا خواستند و جریانی را به پا کردند که میوه آن بیداری اسلامی است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶). ایشان معتقدند: «این که می‌گوییم بیداری اسلامی، این حرف پایه‌دار است، ریشه‌دار است. ملت‌های مسلمان عدالت را می‌خواهند، آزادی را می‌خواهند، مردم سالاری را می‌خواهند، اعتنای به هویت انسان‌ها را می‌خواهند؛ این‌ها را در اسلام می‌بینند، نه در مکاتب دیگر؛ چون مکاتب دیگر امتحان داده و شکست خورده‌اند. بدون مبنای فکری هم که نمی‌شود به این اهداف بلند دست پیدا کرد. آن مبنای فکری، بر حسب ایمان و اعتقاد ملت‌های منطقه عبارت است از: اسلام و بیداری اسلامی ماهیت جنبش‌ها این است» (بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴).

کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا با مجموعه‌ای از مطالبات مردم مواجهند که بخشی از آن‌ها مطالبات اجتماعی و بخشی مطالبات مدنی و آزادی خواهی و بخش دیگر آن هم مطالبات اقتصادی است، اما نکته مهم این است که مطالبات مدنی و اجتماعی و اقتصادی مردم مسلمان در یک معنا در این واژه خلاصه می‌شود که این مطالبات «اسلام خواهانه» است، چرا که تمامی

۱. خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده اند، وعده خلافت در زمین را داده است....

۲. ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمین گردانیدیم.

مطالبات مردم مسلمان منطقه در قالب ارزش‌های هویتی اسلامی و دینی پیگیری می‌شود (امیر عبداللہیان، ۱۳۹۵: ۲۲۵).

در این بخش موضوع اصلی بحث، تغییرات گسترده‌ای است که در ملت و جامعه کشورهای عربی ایجاد شد و آن را دگرگون ساخت. به عبارت دیگر، نوعی بیداری در این ملل به وجود آمد که توانست تا حدود زیادی راهبرد تعیین شده غرب را در مورد کشورهای عربی تغییر دهد و در چندین مورد، آن‌ها را به پذیرش واقعیت؛ یعنی ضروری بودن تغییرات اساسی که نتیجه آن را در نهایت، در جریان بیداری اسلامی کشورهای عربی و حمایت غرب از تغییر نظام در تونس، مصر و لیبی می‌توان دید، مجبور کند (متقی، ۱۳۹۰: ۱۷). در یک جمع‌بندی کلی، نظریات و دیدگاه‌های مطرحه را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

قیام‌های مردمی در حقیقت در اثر «نظریه توطئه غرب» به رهبری آمریکا و صهیونیسم طراحی شده تا بتواند تحولات منطقه را به نفع آنان تغییر دهد و این با بی‌ثباتی دولت‌های عربی میسر است،

نظریه مداراگرا، خنثی و بی‌تحرك ناسیونالیسم عربی که سعی دارد با پررنگ نشان دادن اختلافات، دعوای قدیمی اختلاف مذاهب طراحی و اجرا نماید، تحولات اخیر در قالب طرح دموکراسی خواه و لیبرال دموکراسی در کشورهای اسلامی مطرح می‌شود و هدف اصلی آن را سرنگونی دیکتاتورها و رسیدن به خوشبختی و سعادت از نوع غربی دانسته و فرهنگ سیاسی مدرن را در تبیین آن به کار می‌برد، بیداری اسلامی نظریه مناسب تحلیل تحولات اخیر می‌باشد (عیوضی، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۷).

۳. آینده‌پژوهی و شناسایی کنشگران، عوامل، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها

آینده‌پژوهی^۱، تلاش نظام‌مندی است که برای اصلاح فهم ما از پیامدهای آینده ناشی از تحولات و انتخاب‌های کنونی می‌باشد؛ [به عبارت دیگر] هر تلاشی که در جهت روشمند کردن فرضیه‌ها و برداشت‌های ما در باب آینده باشد. این تلاش‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: استنتاج آینده‌های احتمالی، ممکن و مطلوب (پدرام و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). برای شناسایی کنشگران و سایر عوامل از روش‌های مختلفی در آینده‌پژوهی می‌توان استفاده کرد که یکی از

بهترین این روش‌ها، روش سناریونویسی شبکه جهانی کسب و کار^۱ است که گام‌های ۱ الی ۴ آن به این شرح است.

۳-۱. گام نخست: شناسایی کنشگران

در این گام، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کنشگران (بازیگران) شناسایی و بررسی می‌شوند. کنشگران تأثیرگذار آن‌هایی هستند که قدرت اثر گذاشتن بر معیارهای مطلوبیت سازمان را داشته باشند. این کنشگران می‌توانند دولتی، خصوصی، گروه‌های فراملی و فروملی، سازمان‌های بین‌المللی یا افراد باشند. بهتر است در صورت امکان، از دسته‌بندی مناسب برای سامان دادن به فهرست کنشگران استفاده کرد، مانند تقسیم به کنشگران داخلی، منطقه‌ای (غرب آسیا) و فرامنطقه‌ای. لازم است که کنشگران به دو گروه «تحت نفوذ» و «خارج از کنترل» سازمان تقسیم شوند (همان: ۱۸۵).

۳-۲. گام دوم: شناسایی عوامل تأثیرگذار

گام دوم تهیه فهرست عوامل کلیدی که بر موفقیت و ناکامی آن تصمیم‌تأثیرگذار هستند، هم چون واقعیت‌هایی درباره مشتریان، تامین‌کننده‌ها، رقبا و غیره است. تصمیم‌سازان هنگام انجام انتخاب‌های کلیدی، خواهان دانستن چه چیزهایی خواهند بود؟ چه چیزی به عنوان موفقیت و ناکامی دیده خواهد شد؟ تفکراتی که به آن نتایج شکل خواهند داد، چیستند؟ (شوارتز، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

هدف از این گام، به طور عمده فهم تحلیلی از تصمیم یا موضوع مورد بررسی و ترسیم فضایی است که بیشترین تطابق با واقعیت را داشته باشد. این عوامل نقشی مهم در تعیین داستان سناریو دارند. برای این کار می‌توانیم از یک رویکرد متداول و مشهور به نام «تحلیل استیپ»^۲ که روشی تحلیلی و به نوعی ابزار ساختاربندی محسوب می‌شود، استفاده کنیم (پدرام و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

1. Global Business Network

2. STEEP Analysis (Societal, Technological, Economical, Ecological and Political Variables)

۳-۳. گام سوم: شناسایی پیشران ها

در این مرحله فهرست نیروهای پیشران تغییرات یا به عبارت بهتر، نیروهای تأثیرگذار و شکل دهنده به عوامل در محیط فعالیت کلان شناسایی می شوند. انجام این گام مستلزم تحقیقات گسترده در زمینه های مختلف مانند مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناورانه و زیست محیطی است (موسسه آموزش و تحقیقات صنایع دفاعی، ۱۳۸۹: ۱۵۵). پیشران ها از دو جهت برای ما دارای اهمیت هستند، از یک سو، در مقام توصیف، آینده را بر مبنای آن ها توصیف می کنیم و از سوی دیگر، تجویزهایی که برای تغییر در آینده ارایه می شوند نیز متکی به همین نیروهای پیشران است (همان: ۱۸۷).

۳-۴. گام چهارم: شناسایی عدم قطعیت ها

هر چه بر شتاب تغییرات جهانی افزوده شود، امکان پیش بینی آینده های جهان در بلندمدت کاهش می یابد. هر جا که آینده غیرقابل پیش بینی باشد، اصطلاحاً گفته می شود که آینده با عدم قطعیت همراه است. شناسایی عدم قطعیت ها یکی از مراحل اصلی در طراحی سناریوهای آینده است (لمپرت، ۱۳۸۵: ۳۵).

۴. تحلیل یافته ها

با توجه به بهره گیری از روش سناریونویسی «جی بی ان» در این پژوهش، یافته های مربوط به کنشگران، عوامل، پیشران ها و عدم قطعیت های مؤثر بر آینده جریان بیداری اسلامی مبتنی بر گام های این روش، به شرح زیر احصا و ارائه شده است.

۴-۱. شناسایی و دسته بندی کنشگران

کنشگران بر اساس تحت نفوذ، توصیه پذیر و خارج از کنترل داخلی و خارجی به تفکیک شناسایی و میزان تاثیرگذاری آنان مشخص شده اند که به شرح جداول (۱) و (۲) ارائه شده است. اگرچه کنشگران درون ایران از یکدیگر تفکیک شده اند اما از آنجا که انتظار است مبتنی بر سیاست ها و برنامه ریزی کشور به طور هماهنگ در تونس عمل کنند، در مجموع به عنوان یک کنشگر واحد در عرصه تحولات شناخته می شوند. کنشگران دیگری هم در عرصه داخلی و منطقه ای حضور داشتند که به جهت تعیین درجه اهمیت آنان، کنشگران کم اهمیت تر از فرآیند سناریونویسی کنار گذاشته شدند.

۴-۱-۱. کنشگران تحت نفوذ و توصیه پذیر

جدول (۱): کنشگران تحت نفوذ و توصیه پذیر از ایران مؤثر بر جریان بیداری اسلامی

کنشگران داخل ایران	۱. سپاه قدس	۳	کنشگران تحت نفوذ و توصیه پذیر
	۲. وزارت امور خارجه	۲	
	۳. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۳	
	۴. وزارت اطلاعات	۲	
	۵. سازمان صداوسیما	۱	
	۶. جامعه المصطفی العالمیه	۱	
کنشگران تونس	تحت نفوذ	۳	کنشگران منطقه‌ای
	توصیه پذیر	۱	
	تحت نفوذ	۳	
کنشگران بین‌المللی	توصیه پذیر	۱	کنشگران بین‌المللی
	توصیه پذیر	۲	

۴-۱-۲. کنشگران خارج از نفوذ

شناسایی کنشگران، عوامل، پیشران ها و عدم قطعیت های...

جدول (۲): کنشگران خارج از کنترل ایران مؤثر بر جریان بیداری اسلامی

کنشگران خارج از نفوذ	در صحنه داخلی تونس	۱. گروه های سلفی	۲
		۲. احزاب ملی گرا عرب	۱
		۳. گروه های لیبرال	۱
		۴. دولت الباجی قائد السبسی	۳
	در صحنه منطقه ای	۱. رژیم صهیونیستی اسرائیل	۲
		۲. امارات	۲
		۳. عربستان	۲
	در صحنه بین المللی	۱. آمریکا	۳
		۲. فرانسه	۳
۳. اتحادیه اروپا		۱	

۳-۱-۴. شناسایی و دسته بندی عوامل

در مرحله دوم و پس از شناسایی کنشگران، مبتنی بر نظرات مصاحبه شوندگان عوامل کلیدی تاثیرگذار در محیط شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی - امنیتی، آموزشی، رسانه ای و ژئوپلیتیک احصا شد که موارد با اهمیت آن در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): عوامل کلیدی تأثیر گذار بر تحولات بیداری اسلامی تونس

عوامل اقتصادی	۱. رکود	عوامل کلیدی
	۲. بیکاری	
	۳. بحران در صنعت توریسم	
	۴. گرانی و تورم در ارزاق عمومی	
	۵. فساد مالی و نبود شفافیت اقتصادی	
عوامل فرهنگی و اجتماعی	۱. رشد و گسترش طبقه متوسط جدید	عوامل کلیدی
	۲. افزایش فساد اخلاقی	
	۳. کاهش سانسور و آزادی مطبوعات	
	۴. گرایش روزافزون مردم به اسلام	

۵. حمایت فرهنگی و اقتصادی ایران از احزاب اسلام‌گرا به ویژه النهضه	عوامل سیاسی-امنیتی
۱. حمایت عربستان و امارات از جریان سلفی- تکفیری و حضور داعش و تشدید فعالیت آنان	
۲. افزایش حمایت‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های خارجی غربی (آمریکا و فرانسه) از گروه‌های سکولار و سلفی تکفیری	
۳. همزیستی مسالمت‌آمیز اسلام‌گرایان (النهضه) با سایر گروه‌ها و احزاب،	
۴. تروریسم	
۵. حضور عناصر حکومت قبلی در قدرت و عرصه تصمیم‌گیری	
۶. اعمال تحریم‌های بین‌المللی	عوامل آموزشی و رسانه‌ای
۱. رشد و گسترش آموزش‌های همگانی	
۲. رشد و گسترش و بهره‌گیری از فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی)	عوامل ژئوپلیتیک
۱. همجواری (مرز مشترک) با کشور بحران زده لیبی	

۴-۱-۴. شناسایی و دسته‌بندی پیشران‌ها:

در ادامه با توجه به عوامل کلیدی مؤثر بر تحولات تونس، با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان این حوزه، مهمترین پیشران‌ها سه عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شناسایی و به لحاظ میزان تاثیر (اهمیت) و عدم قطعیت وزن‌دهی شد که در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول شماره (۴): وزن‌دهی به پیشران‌ها بر اساس ضریب تاثیر (اهمیت) و عدم قطعیت

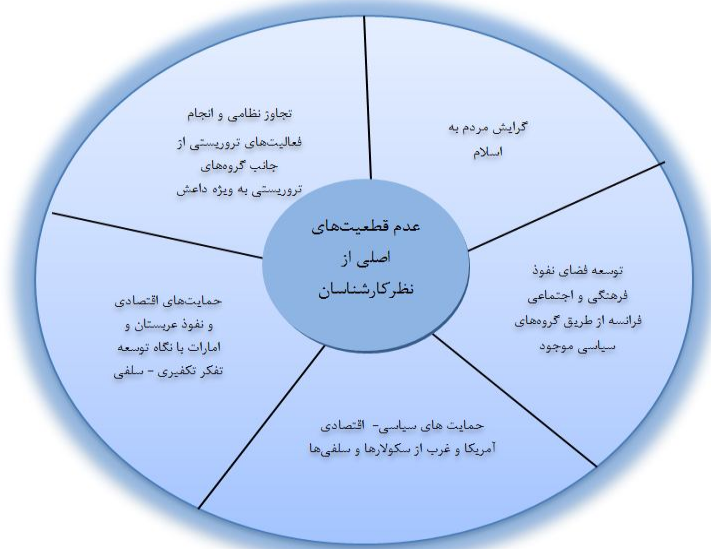
پیشران‌ها						
ضریب عدم قطعیت	ضریب تاثیر	بالقوه	ضریب عدم قطعیت	ضریب تاثیر	بالفعل	مثبت
			۱	۲		
		-----	۱	۲	گسترش طبقه متوسط جدید با گرایش سکولارانه و افزایش مطالبات اجتماعی	داخلي
		-----	۱	۲	افزایش میزان بهره‌گیری مردم از شبکه‌های	

پیشران ها							
					اجتماعی (فیسبوک و توییتر)		
		-----	۱	۲	ادامه همزیستی مسالمت آمیز اسلام گرایان (النهضه) با سایر گروه ها و احزاب به ویژه حزب حاکم		
		-----	۳	۳	گرایش روزافزون مردم به اسلام		
۲	۱	رشد و گسترش تروریسم در داخل کشور	۱	۱	وجود مشکلات اقتصادی و فساد فراگیر همراه با بیکاری جوانان و افزایش قیمت ها	منفی	
۱	۱	گسترش فضای امنیتی در جامعه و تحت فشار قرار گرفتن اسلام گرایان به ویژه حزب- النهضه	۲	۱	ادامه بحران در صنعت گردشگری		
۲	۱	رشد و گسترش جریان سلفی گری و بازگشت داعش	۱	۱	حضور بیش از پیش عناصر و جریان های حاکم در حاکمیت پیشین در قدرت و تصمیم گیری های سیاسی		
۱	۲	همکاری و حمایت فرهنگی - اقتصادی ایران و محور مقاومت از احزاب اسلام گرا به	۱	۱	همکاری های سیاسی و اقتصادی ترکیه با تونس	مثبت	منطقه ای

پیشران‌ها						
		ویژه النهضه				
۲	۱	تجاوز و انجام فعالیت‌های تروریستی از جانب گروه‌های تروریستی به ویژه داعش از مرز لیبی	۱	۲	حمایت‌های اقتصادی و نفوذ فرهنگی عربستان و امارات با نگاه توسعه تفکر تکفیری- سلفی در تونس	منفی
		-----			-----	مثبت
۲	۱	اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی از سوی آمریکا و غرب به منظور مهار انقلاب و تغییر مسیر تحولات	۲	۲	توسعه فضای نفوذ فرهنگی و اجتماعی از سوی فرانسه با توجه به روابط خوب با گروه‌های سیاسی موجود در تونس (به‌ویژه سکولارها)	منفی
۲	۳	حمایت‌های سیاسی - اقتصادی آمریکا و غرب از سکولارها و گروه‌های سلفی- تکفیری			-----	بین‌المللی

۴-۱-۵. شناسایی عدم قطعیت ها از نظر کارشناسان و خبرگان:

پیشران ها از سوی کارشناسان مورد بررسی قرار گرفت و به لحاظ میزان تاثیر (اهمیت) و عدم قطعیت به آنها نمره داده شد تا عدم قطعیت های مربوط به تحولات تونس مشخص شوند. از نظر کارشناسان بر اساس امتیازات داده شده از سوی اعضای پانل و مبتنی بر تعریف ارائه شده در خصوص چگونگی امتیازدهی، ۵ عدم قطعیت مهم «که به لحاظ ضریب تاثیر و ضریب اهمیت، بالاترین نمرات (۳ و ۲) را کسب کردند» در مسأله تونس وجود داشت که در شکل (۱) ارائه شده است.



شکل (۱): عدم قطعیت ها از نظر کارشناسان و خبرگان در یک نگاه

۴-۲. تعیین عدم قطعیت های کلیدی و تدوین چارچوب سناریوها

با توجه به دو سویه بودن عدم قطعیت های احصا شده از سوی کارشناسان که می شد با وجود/عدم یا تقویت/تضعیف، آنها را توصیف کرد. برای طراحی چارچوب سناریوها باید این ۵ عدم قطعیت به تعداد کمتری تنزل پیدا می کردند. به این ترتیب، اعضای گروه پژوهش پس از بررسی های لازم به این نتیجه رسیدند که سه مورد از عدم قطعیت ها تابع دو مورد دیگر هستند. به این ترتیب از نظر کارشناسان، عدم قطعیت های توسعه فضای نفوذ فرهنگی و اجتماعی

فرانسه، حمایت‌های اقتصادی عربستان و امارات با نگاه توسعه تکفیری‌ها، تجاوز نظامی و فعالیت‌های تروریستی و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا با هم ترکیب و ذیل عدم-قطعیتی با عنوان حمایت غرب و متحدان از گروه‌های سلفی- تکفیری قرار گرفتند که تقریباً پوشش دهنده همه عدم قطعیت‌های مذکور است. با این وصف، با ترکیب عدم قطعیت‌های مذکور، دو عدم قطعیت کلیدی تاثیرگذار عبارت بودند از:



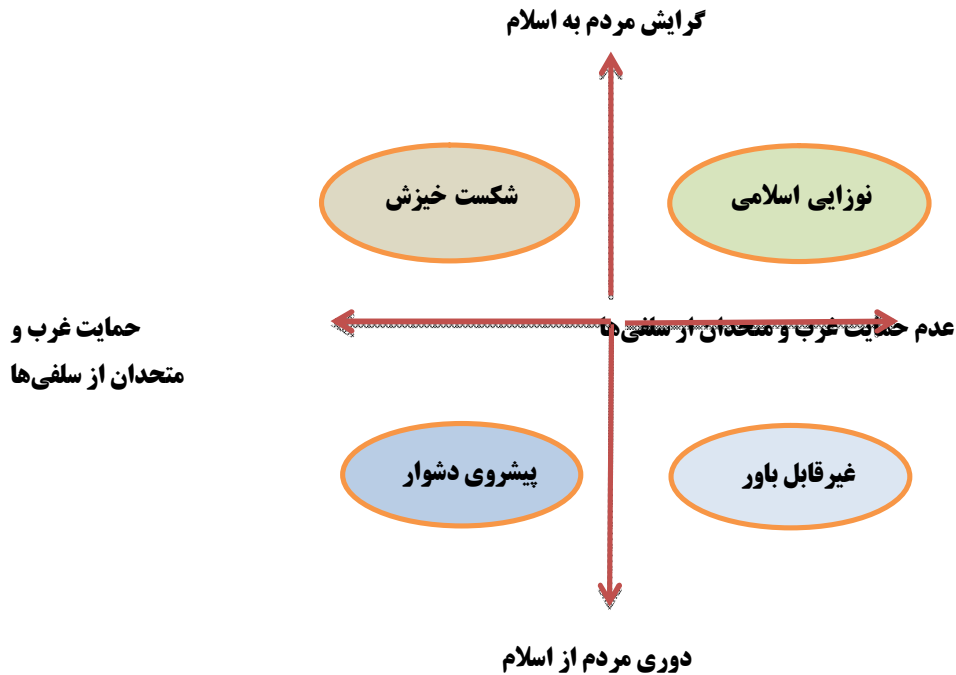
شکل (۲): عدم قطعیت‌های کلیدی بر اساس نظر خبرگان

از نظر کارشناسان با توجه به این که وضعیت سه عدم قطعیت دیگر تا اندازه مناسبی بر اساس دو عدم قطعیت نهایی شده، تعیین می‌شد بنابراین با این دو عدم قطعیت، چهار سناریو قابل تصور بود که به این منظور جدول (۵) متشکل از چهار حالت به منظور بررسی سازگاری عدم قطعیت‌ها ترسیم شد که یک سناریوی آن غیر قابل باور بود که به تفکیک مشخص شده است.

جدول (۵): عدم قطعیت‌های کلیدی و بررسی سازگاری عدم قطعیت‌ها در سناریوهای بیداری اسلامی تونس

شماره	عدم قطعیت ۱	عدم قطعیت ۲	نام سناریو
۱	گرایش مردم به اسلام	عدم حمایت غرب و متحدان از گروه‌های سلفی - تکفیری	نوزایی اسلامی
۲	گرایش مردم به اسلام	حمایت غرب و متحدان از گروه‌های سلفی - تکفیری	شکست خیزش
۳	عدم گرایش مردم به اسلام	حمایت غرب و متحدان از گروه‌های سلفی - تکفیری	پیشروی دشوار
۴	عدم گرایش مردم به اسلام	عدم حمایت غرب و متحدان از گروه‌های سلفی - تکفیری	غیرقابل باور

در نمودار زیر، حالات مختلف فرارگیری سناریوها مشخص شده است.



نمودار (۲): وضعیت فرارگیری سناریوها با توجه به موقعیت عدم قطعیت های کلیدی

بر اساس تحلیل صاحب نظران، ۳ سناریوی اصلی برای تبیین آینده تحولات بیداری اسلامی در تونس با توجه به ترتیب عبارتند از: سناریوی مقوم بیداری اسلامی با عنوان نوزایی اسلامی - که می توان گفت مورد نظر و مطلوب ایران باشد - سناریوی بعدی رقیب و بدیل بیداری اسلامی با عنوان شکست خیزش - که به نظر می رسد مورد نظر و مطلوب آمریکایی ها و غربی ها است - و سناریوی ۳ که سناریوی حد وسط با عنوان پیشروی دشوار است و تحقق آن با دشواری های خاصی روبرو خواهد بود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتیجه گیری

تحولات بیداری اسلامی در تونس واقعیتی انکار ناپذیر و به عنوان یکی از مسائل راهبردی جهان اسلام حائز فرصت ها و چالش های عمیق و فراگیری در حوزه احیای جایگاه تمدن

اسلامی و توسعه و خوداتکایی کشورهای اسلامی است و تداوم آن نیازمند به درک صحیح نقش کنشگران، عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... و پیشران‌های مؤثر و عدم قطعیت‌های کلیدی که در بطن تحولات از آغاز بوده است و هنوز هم وجود دارد.

نام‌گذاری این تحولات با عناوینی چون خیزش اسلامی، بیداری انسانی، بهار عربی، جنبش‌های دموکراسی‌خواهی، اسلام‌سیاسی، رادیکالیسم سیاسی، بنیادگرایی رادیکال و غیره، نشان‌دهنده وجود دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوت در این زمینه است. این تحولات، تحولاتی راهبردی است که به دلیل وسعت و عمق پیامدهای آن، نیاز به آینده‌پژوهی و بررسی تمام ابعاد آن دارد و باید آسیب‌شناسی مناسبی در رابطه با آن صورت گیرد.

آنچه مسلم است این که کشورهای غربی تلاش می‌کنند این حرکت‌های مردمی که عوامل مختلفی به ویژه الهام‌گیری از مبانی و آموزه‌های اسلامی سبب‌ساز آن است را به نفع خود مصادره کنند که به هیچ عنوان شبیه به انقلاب اسلامی ایران نشود و حتی به آن تشبیه نگردد و از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب اصرار دارند که این تحولات را که بسیاری از نشانه‌های اسلام‌خواهی مردم در آن وجود دارد را بیداری اسلامی نام نهند. از این رو، مشخص است که نوعی سیاست هدایتگری و تدبیر آینده‌نگرانه از سوی ایشان پیگیری می‌شود که به شدت در تقابل با تفکر و عمل آمریکا و متحدانش است.

وقوع حرکت‌های خودجوش مردمی و بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا و به ویژه تونس پدیده‌ای مهم و پیچیده است و در طیف متنوعی از عوامل و متغیرها ریشه دارند که البته در تحلیل‌های جهانی سعی شده است تا عامل اصلی این قیام‌ها نادیده گرفته شود. با توجه به سابقه دینی، فکری و اسلام‌خواهی جامعه تونس و تأثیرات آن‌ها از انقلاب اسلامی ایران، می‌توان به یقین اذعان کرد که خودسوزی بوعزیزی فقط بهانه‌ای برای شروع تحولات بود و دلایل اصلی به عوامل مهمی نظیر فساد و خودکامگی دستگاه حاکم، مبارزه با ارزش‌های دینی مردم، رواج فساد و بی بند و باری، از بین رفتن کرامت مردم و فقر و بیکاری مربوط می‌شد. شواهد حاکی از آن است که علی‌رغم بروز برخی انحراف‌ها در روند جریان بیداری اسلامی در تونس، مسیر آغازین خود را باز خواهد یافت.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پاسخ سوالات مقاله به این شرح است:

سوال ۱: مهمترین کنشگران و عوامل کلیدی برای تداوم بیداری اسلامی در تونس کدامند؟

پاسخ سؤال نخست: یافته‌های کیفی حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن است که عوامل مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی - امنیتی، آموزشی و رسانه‌ای و ژئوپلیتیکی بر تداوم جریان بیداری اسلامی تاثیرگذار هستند که از جمله بنیادی‌ترین آن‌ها که می‌بایست توجه جدی داشت، عبارتند از:

۱. توجه جدی به رهبریت آگاه و توانمند و تدوین راهبردهای صحیح مبتنی بر مطالبات واقعی مردم،

۲. عوامل اقتصادی شامل: رکود اقتصادی، فقر و بیکاری، گرانی و تورم و فساد مالی،

۳. عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل: رشد و گسترش طبقه متوسط جدید، گرایش به ارزش‌های اسلامی، کاهش سانسور و آزادی مطبوعات، حمایت فرهنگی و اقتصادی ایران از احزاب اسلام‌گرا،

۴. عوامل سیاسی - امنیتی شامل: دخالت‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های خارجی (به ویژه آمریکا و فرانسه) و ایادی شان در امور حکومت، رشد تروریسم و تشدید فعالیت جریان سلفی - تکفیری،

۵. عوامل آموزشی و رسانه‌ای شامل: رشد و گسترش آموزش‌های همگانی، رشد و گسترش و بهره‌گیری از فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی)،

۶. عوامل ژئوپلیتیک شامل: همجواری با کشور بحران زده لیبی.

کنشگران نیز بر اساس تحت نفوذ و توصیه‌پذیر بودن شامل ایران، محور مقاومت، گروه‌های اسلام‌گرا، حزب سکولار ندای تونس، شیعیان و محبان اهل بیت، ترکیه، قطر، روسیه و چین و بر اساس خارج از نفوذ بودن شامل گروه‌های سلفی، احزاب ملی‌گرای عرب، گروه‌های لیبرال، دولت الباجی قائد السبسی، رژیم صهیونیستی اسرائیل، امارات، عربستان، آمریکا، فرانسه و اتحادیه اروپا هستند که به تناسب اهدافی که در این کشور دارند، نقش آفرینی می‌کنند.

سوال ۲: مهمترین پیشرانها و عدم قطعیت‌های مؤثر بر بیداری اسلامی در تونس کدامند؟

پاسخ سؤال دوم: مبتنی بر دیدگاه‌های صاحب‌نظران و بر اساس جمع‌بندی یافته‌های کیفی پژوهش، در مجموع ۱۷ پیشران شناسایی شد که ۱۰ پیشران در عرصه داخلی، ۴ پیشران در عرصه منطقه‌ای و ۳ پیشران در عرصه بین‌المللی به شرح ذیل هستند.

الف) پیشران‌های عرصه داخلی:

۱. بسترسازی برای رشد و گسترش تروریسم در کشور از سوی غربی‌ها به عنوان ابزاری بین‌المللی، برای مشکل‌آفرینی در مسیر حرکت حکومت نامطلوب،

۲. گسترش فضای امنیتی در جامعه و تحت فشار قرار گرفتن اسلام‌گرایان به ویژه حزب النهضه،

۳. وجود مشکلات اقتصادی و فساد فراگیر همراه با بیکاری جوانان و افزایش قیمت‌ها،

۴. بحران در صنعت گردشگری،

۵. گسترش طبقه متوسط جدید با گرایش سکولارانه و افزایش مطالبات اجتماعی،

۶. رشد و گسترش جریان سلفی‌گری و بازگشت داعش،

۷. افزایش میزان بهره‌گیری مردم از شبکه‌های اجتماعی (فیس‌بوک و توئیتر)،

۸. همزیستی مسالمت‌آمیز اسلام‌گرایان (النهضه) با سایر گروه‌ها و احزاب به ویژه حزب حاکم،

۹. حضور بیش از پیش عناصر و جریان‌های حاکم در حاکمیت پیشین در قدرت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی،

۱۰. گرایش روزافزون مردم به اسلام.

ب) پیشران‌های عرصه منطقه‌ای:

۱۱. همکاری و حمایت فرهنگی - اقتصادی ایران و محور مقاومت از احزاب اسلام‌گرا به ویژه النهضه،

۱۲. حمایت‌های اقتصادی و نفوذ فرهنگی عربستان با نگاه توسعه‌تفکر تکفیری - سلفی در تونس،

۱۳. همکاری‌های سیاسی و اقتصادی ترکیه با تونس،

۱۴. تجاوز و انجام فعالیت های تروریستی از جانب گروه های تروریستی به ویژه داعش از مرز لیبی.

ج) پیشران های عرصه بین المللی:

۱۵. تحریم های سیاسی و اقتصادی از سوی آمریکا و غرب به منظور مهار انقلاب و تغییر سیر تحولات،

۱۶. حمایت های سیاسی - اقتصادی آمریکا و غرب از سکولارها و گروه های سلفی - تکفیری،

۱۷. توسعه فضای نفوذ فرهنگی و اجتماعی از سوی فرانسه با توجه به روابط خوب با گروه های سیاسی موجود در تونس.

پیشران ها از سوی کارشناسان به لحاظ میزان تاثیر (اهمیت) و عدم قطعیت بررسی، ۵ عدم قطعیت مؤثر بر تحولات تونس مشخص و سپس این عدم قطعیت ها بر اساس نظرات گروه پژوهش، با هم ترکیب و ۲ عدم قطعیت اصلی مشخص شدند. این عدم قطعیت ها عبارتند از:

۱. گرایش مردم به اسلام،

۲. حمایت های غرب و متحدان از گروه های سلفی - تکفیری.

پیشنهادها

با عنایت به نتایج پژوهش، موارد زیر پیشنهاد می شود:

۱. بایستی از اسلام گرایی تونس در حد ظرفیت فرهنگی - سیاسی آن توقع داشت. استمرار

موفقیت تحولات و تداوم تجربه دموکراتیک در تونس، به مرور و با آرامی در محیط پیرامونی تونس و در مجموعه جهان عرب تاثیر گزار خواهد بود.

۲. جمهوری اسلامی با رویکرد ایجابی و حمایتی از کشورهای اسلامی به تحقق سناریوی نوزایی اسلامی در این کشور کمک کند.

۳. کشور تونس به جهت جایگاه مهم در شمال آفریقا و وجود زمینه های فکری و اعتقادی در مخالفت با ظلم و زورگوئی روزافزون رژیم صهیونیستی و حکام مستبد و مزدور آمریکا در منطقه و حمایت همیشگی مردمی از انتفاضه فلسطین به عنوان عضوی از محور مقاومت پذیرفته شود.

۴. با توجه به عوامل و پیشران‌های موجود، مدل حکومتی مناسب، قانون اساسی مبتنی بر دستورات اسلام اصیل، متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی و... کشور تونس طراحی و ارائه شود تا ادامه مسیر در جهت تقویت جبهه مقاومت و بیداری اسلامی امکان پذیر شود.
۵. با توجه به وجود اشتراکات فکری، اعتقادی و سیاسی، زمینه‌های گفتگو و همکاری بین کنشگران و جریان‌های مؤثر داخلی و خارجی فراهم و از رشد و گسترش جریان‌های تکفیری با قرائت بدعت آمیز و دیدگاه افراطی و رادیکال جلوگیری شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

امام خامنه ای (مدظله). مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir

اکبری نوری، رضا (۱۳۹۲). «جنبش‌های اسلامی و سلفی‌گری؛ از باور تا عمل»، مندرج در محمد رضا حاتمی و مرتضی بحرانی، **دایره المعارف جنبش‌های اسلامی**، جلد دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

امیرعبداللہیان، حسین (۱۳۹۵). **ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.

پدرام، عبدالرحیم؛ احمدیان، مهدی (۱۳۹۴). **آموزه‌ها و آموزه‌های آینده پژوهی**، تهران: موسسه افق آینده پژوهی راهبردی.

پور قیومی، ایوب (۱۳۹۲). «راهبردهای تحقق خاورمیانه اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی»، **پایان نامه دوره دکتری**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

حسینی، محمدتقی (۱۳۹۱). «بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب‌های خاورمیانه»، **مجله جستارهای سیاسی معاصر**، سال دوم، شماره دوم، صص ۳۸-۱۹.

حیدری، محمد شریف (۱۳۸۸). **سلفی‌گری نوین**، تهران: انتشارات طلوع.

سعید محمدی، رضا (۱۳۹۰). «همگرایی جهان اسلام و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر بیداری اسلامی)»، **رساله دکتری**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

شوارتز، پیتر (۱۳۹۰). **هنر دورنگری**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی موسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی.

- شهبابی، سهراب و عباسی، فهیمه (۱۳۹۴). «آمریکا و تحولات موسوم به بهار عربی». فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۱۴، تابستان.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴). تاثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر رشد بیداری اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غنوشی، راشد (۱۳۷۰). حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلامی، ترجمه سیده‌های خسروشاهی، تهران: انتشارات موسسه اطلاعات.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۲). وهابیان، تهران: انتشارات صبا.
- لمپرت، رابرت جی. (۱۳۸۵). برنامه ریزی پابرجا برای یک قرن، ترجمه وحیدی مطلق، تهران: اندیشکده صنعت و فناوری.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). نقش عوامل بیرونی در انقلاب مصر، تهران: مرکز بین المللی مطالعات صلح. موسسه آموزش و تحقیقات صنایع دفاعی. (۱۳۸۹). دانشنامه آینده پژوهی، جلد اول، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- واعظی، حسن (۱۳۹۲). «الگوی رفتاری امریکا در مواجهه با تحولات کشورهای عربی». فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص ۷-۳۶.
- ی. سو، آلوین (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) منابع انگلیسی

- Anderson, Lisa (2011). "Demystifying the Arab Spring; Parsing the Differences Between Tunisia, Egypt, and Libya, **Foreign Affairs**, Published by the Council on Foreign Relations, May/June.
- Aleya-Sghaiera, Amira. (2012). "The Tunisian Revolution: The Revolution of Dignity". **The Journal of the Middle East and Africa**. Volume 3. Issue 1. pp 18- 45.
- Culbertson, Shelly. (2016). "RAND's Shelly Culbertson Publishes Book on Middle East after the Arab Spring." April 19, 2016, <https://www.rand.org/blog/2016/04/rands-shelly-Culbertson-publishes-book-on-middle-east.html>. pp 13-15.
- Dadush Uri & Michele Dunne (2011), "American and European Responses to the Arab Spring: What is the big idea?" **The Washington Quarterly**, fall.

- Ries Charles P. (2011). The Year of the Arab Spring, **the Rand Blog Commentary**. (RAND.org and GlobalSecurity.org). December 20.
- Wolfa, Anne. (2013). "An Islamist 'renaissance'? Religion and politics in post-revolutionary Tunisia". **The Journal of North African Studies**. Vol. 18. Issue 4. pp 560-573.